

کیمیایان

از نظر آموزه‌های وحیانی قرآن، کلید خوشبختی و سعادت در دنیا و آخرت را می‌بایست در خوش خویی و خلق عظیم جست؛ زیرا حسن خلق آدمی بیانگر تمایز زیبایی‌های کمالاتی است که خداوند به انسان داده است و انسان خوش خوی در حقیقت همان انسان خدایی شده و مثاله است. پس انسان هر اندازه از اخلاق نیک و خلق خوش و خوب دور باشد به همان میزان از خدا و کمالات الهی دور است و به هر میزان در اخلاق به کمالات برسد و محاسن و کمکارم اخلاقی را در خود تجلی دهد، به همان میزان خدایی شده است و بهشت دنیا و آخرت نیز چیزی جز تجلیات صفات کمالی الهی نیست.

از همین رو خداوند پیامبر(ص) و اوصیای معصوم ایشان(ع) را به خلق عظیم می‌ستاید و پیامبر(ص) هدف و فلسفه بحث و رسالت خود را اتمام مکارم اخلاقی مردمان بیان می‌کند. نویسنده با این نگاه به سراغ امام رضا(ع) یکی از پیشوایان معصوم(ع) رفته تا بخشی از اصول اخلاقی را در مکتب ایشان تبیین کند.

شاخص‌های

اخلاق رضوی نماد خلق عظیم نبوی

خداوند در آیه ۴ سوره قلم در توصیف پیامبر(ص) می‌فرماید: و انک لعلی خلق عظیم؛ تو ای پیامبر دارای اخلاق عظیم و بزرگی هستی. این توصیف الهی خود به تنهایی بیانگر مقام و منزلت پیامبر(ص) و نیز بیانگر معیار ارزش گذاری افراد در پیشگاه خداوند است. به این معنا که خداوند در میان همه صفات الهی پیامبر(ص) به اخلاق ایشان اشاره می‌کند؛ چرا که از نظر خداوند اخلاق چنان برجسته و اساسی است که می‌بایست آن را تنها معیار سنجش افراد قرار داد. از همین روست که پیامبرش را براساس این معیار سنجیده و ارزش و جایگاه و منزلت وی را تعیین می‌کند. البته آیات دیگر قرآنی نیز بیانگر این معناست که اخلاق تنها معیار سنجش و ارزیابی انسان‌هاست و اگر انسانی فاقد اخلاق یا دارای اخلاق پست و رذل باشد، از دایره انسانیت خارج بوده و به همان میزان فقدان، از قرب الهی دور خواهد شد و در دوزخ فراق قرار می‌گیرد.

این خداوند در آیه ۱۳ سوره حجرات معیار تقوا را به عنوان معیار سسنش و ارزیابی کرامت انسانی معرفی می‌کند، در چارچوب همان معیار اصلی اخلاق قابل تحلیل و تبیین است؛ زیرا تقوا به معنای پرهیز از هر گونه پلیدی و زشتی و ناپسندی که عقل و وحی حکم بدان می‌کند، خود جلوه‌ای از جلوه‌های اخلاقی است. انسانی دارای تقوا خواهد بود که به صورت مشخص به صفات نیک بوده و در رفتار و کردار خویش اصول اخلاقی را مراعات کرده و از هر گونه پلیدی و زشتی و بدی دوری کند. خدوند در آیات قرآنی بر آن است تا بهترین الگوهای اخلاقی را معرفی کرده و نیکوترین خلق و خوی را به انسان‌ها نشان دهد؛ چنان که هرگاه به امور ضداخلاقی می‌پردازد می‌خواهد انسان را نسبت به آن‌ها هویشار و به یادگار کرده و از آنان بخواهد تا از این امور اجتناب کنند؛ زیرا این‌ها موانع تخلق آدمی به اخلاق نیک و پسندیده است و اجازه نمی‌دهد تا انسان در مسیر کمالی قرار گیرد و به صفات الهی تخلق یابد.

پیامبر(ص) که خود دارای خلق عظیم است و همه جنبه‌ها و ابعاد اخلاقی را در تمامیت اوج آن داراست، به عنوان اسوهٔ حسنه (حزاب، آیه ۲۱) و مقتدای مردم، در بیان فلسفه و هدف بعثت و رسالت خود می‌فرماید: انما بعثت لائمم مکارم الاخلاق؛ جز برای اتمام مکارم اخلاقی برگزینخته ندمش.

از همین‌رو می‌توان گفت که آموزه‌های قرآنی بیانگر مکارم اخلاقی است، چرا که در این آیات، اوج هر فضیلت اخلاقی و کمال الهی بیان شده که انسان می‌تواند بدان متلبس و متخلق شود و جامه و لباس خلق الهی را برتن آدمیت خویش کند. در حقیقت، تمامیت مکارم اخلاقی در آیات قرآنی بیان شده و انسان‌ها از این قابلیت و ظرفیت برخوردار هستند تا بدان تخلق پیدا کنند و در این حد و مرز خدایی و مثاله شوند؛ چراکه خداوند به تعلیم اسمایی، همه صفات الهی را که انسان قابلیت تخلق به آن را دارد، به انسان آموخته است؛ (بقره، آیه ۳۱) و همین تخلق انسان به این صفات و فعلیت‌یابی آن‌ها در صراط مستقیم عبودیت است که او را شایسته مقام خلافت کرده است. (بقره، آیه ۳۰ و ۳۱) در این میان برخی از انسان‌ها به عنوان انسان‌های کامل معرفی شده‌اند؛ زیرا توانسته‌اند به فضل الهی در مقام تخلق به تمامیت برسند و همه کمالات الهی را در خود به فعلیت رسانند و مظهر اسما و صفات الهی شوند.

براساس آموزه‌های قرآنی هر چند که پیامبران الهی(ع) به ویژه پیامبران اولوالعزم(ع) در این مسیر گام‌های بلندی برداشته و در فضیلت از دیگران سبقت گرفته‌اند، با این همه پیامبر گرامی(ص) و اوصیای ایشان هستند که در میان همگان در اوج و فراز قرار گرفته‌اند و آنان تنها اسوه‌های حسنه کمالی هستند که می‌هیچ‌اما و اگری می‌توان از آنان بیرون کرد. خلق عظیم پیامبر(ص) در آیات دیگر قرآنی از جمله آیه ۱۵۹ سوره عمران آیه ۵۳ سوره احزاب بیان شده و نشان می‌دهد که چگونه آن حضرت(ص) با خلق نیک و حسن خویش مردمان را مجذوب اخلاق الهی خود برگزونه‌ای که حتی دشمنان را گستاخ و امیدوار می‌کرد، (توبه، آیه ۶۱ و آیات دیگر)

اینکه خداوند پیامبر(ص) را به عظمت اخلاقی می‌ستاید از آن روست که ایشان در همه ابعاد و جهات در اوج تمامیت اخلاقی قرار داشت و این‌گونه نبود که مثلا نسبت به دوستان یا در حالت خوش و در هنگامه شادی و سرور و در زمان دارایی و ثروت و قدرت و مانند آنها، خلق نیک و خوش خلق باشد، بلکه در همه احوال و در همه زمان‌ها و مکان‌ها این‌گونه بود و همین است که او را عظیم ساخته است. عظمتی که فراتر از همه است و بزرگی است که در اوج نشسته است.

البته اوصیای ایشان به حکم خلافت الهی می‌بایست این‌گونه باشند؛ برگونه اگر خلیفه متخلق به اخلاق مستخلف عنه نباشد، سزاوار خلافت نیست. از همین روست که خداوند اوصیای پیامبر(ص) و خلفای به حق آن حضرت(ص) را به عنوان اسوه‌های نیکی معرفی می‌کند که همانند آن حضرت(ص) در اوج تمامیت اخلاقی هستند و همه محاسن و مکارم اخلاقی را در تمامیت اوج آن دارند. (نگاه کنید: سوره انسان و نیز آیه ۶۱ سوره آل عمران و آیات دیگری که در وصف امیرمومنان و اهل بیت(ع) وارد شده است)

امام رضا(ع) یکی از اوصیا و خلفای به حق پیامبر(ص) نماد همان خلق عظیم نبوی (ص) بود به گونه‌ای که هر کسی از دوست و دشمن به حق ایشان می‌نگرست(ایشان را یادآور خلق و خوی پیامبر(ص) می‌دید. سنت است که پیغمبر و سیره علمی آن حضرت(ع) گاه صادقی بر این خلق عظیمی است که ایشان را تجسم عینی قرآن و رسول‌الله(ص) قرار می‌دهد. از همین رو باید برای درک حقیقت اخلاق و جایگاه آن در معیار الهی سنجش افراد به سراغ این مجسمه‌های اخلاق الهی برویم و درس‌های زندگی را از ایشان بیاموزیم.

مکتب اخلاقی امام رضا(ع) که در سنت و سیره ایشان تجلی یافته است، همان مکتب قرآن و رسول‌الله(ص) است. از همین رو، خوانندن و عمل به این آموزه‌های اخلاقی، می‌تواند ما را به همان جایگاهی برساند که اهل بیت(ع) از ما انتظار دارند و می‌خواهند تاما عظمی شده و به محبت علمی و عملی بدانان نزدیک شده و بدن به خدا تقرب جویم.

آموزه‌هایی از مکتب اخلاقی رضوی

یک‌بم‌ایان همه آموزه‌های اخلاقی مکتب رضوی(ع) در این مقاله شذنی نیست ولی باید دریا از آن‌ها یادگرفته کشیدهم به قدر تشنگی یاد چشید. تندوق و پیشتان بهد شیران از گلبرگ‌های کلام و سخنان حضرت امام رضا(ع) خود می‌تواند ما را در رسیدن به مکتب اخلاقی ایشان و تخلق به خلق رضوی(ع) یاری رساند. از همین رو، در این جا به گوشه‌ای از شهد و شریین و انگین شفاغیش سخنان ایشان تمسک و توسل می‌جویم تا درس‌های فراق را بدان شهد شریین سخن ایشان درآیم کنیم.

امام رضا(ع) می‌فرماید: پنج صفت است که در هر کس نباشد امید چیزی از دنیا و آخرت به او نداشته باشید: ۱-کسی که در نهادش اعتماد نبینی ۲-کسی که در سرشتش کرم نیابی ۳-کسی که در آفرینشش استواری نبینی ۴-کسی که در نفشش نجات نیابی ۵-کسی که از خدایش ترسناک نباشد.

ایجاد علقه و پیوند باعمل است. انسان اگر بخواهد محبت خوش را به دیگری بیان کند می‌بایست خود را همانند محبوب سازد و صفات او را تخلق نماید و از هر چه که او بیزار است دوری ورزد و هر صفت و کار خوب از منظر محبوب را به جا آورد. از همین روست که تخلق به اخلاقی الهی محبوبیت و تقرب به خدا را موجب می‌شود. بنابراین، مدعی دروغین خواهد بود کسی که مدعی محبت محبوبی است و در عمل برخلاف رضا و خشنودی او رفتار می‌کند. اگر کسی واقعا مدعی



محبت محبوبی است و در عمل برخلاف رضا و خشنودی او رفتار می‌کند. اگر کسی واقعا مدعی محبت اهل بیت(ع) است چگونه می‌تواند رفتار ضداخلاقی خود را توجیه کند و آن چه را موجب ناخشنودی آنان است، به جا آورد؟ امام رضا(ع) در بیان حقیقت محبت به این نکته اشاره می‌کند و کسانی که مدعی محبت هستند ولی خلاف محبوب عمل می‌کنند، نادرست و غلط می‌دانند و می‌فرماید: لاندعوا العمل الصالح و الاجتهاد فی العباده اتکالا علی حب آل محمد علیهم‌السلام و لا تدعو حب آل محمد علیهم‌السلام لامرمهم اتکالا علی العباده فانه لا یقبل احدهما دون الاخر؛ مبدا اعمال نیک را به اتکای دوستی آل محمد علیهم‌السلام رها کنید و مبدا دوستی آل محمد علیهم‌السلام را به اتکای اعمال صالح از دست بدهید؛ زیرا هیچ کدام از این دو، به تنهایی پذیرفته نمی‌شود. (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۴۸)

۲- **خبرجویی از خوش خلقی:** چنان که گفته شد اخلاق معیار سنجش در دنیا و آخرت است. اگر کسی اخلاق نداشته باشد، چیزی ندارد. از همین رو امام رضا(ع) می‌فرماید: پنج صفت است که در هر کس نباشد امید چیزی از دنیا و آخرت به او نداشته باشید: ۱- کسی که در نهادش اعتماد نبینی ۲-کسی که در سرشتش کرم نیابی ۳-کسی که در آفرینشش استواری نبینی ۴-کسی که در نفشش نجات نیابی ۵-کسی که از خدایش ترسناک نباشد. (تحف العقول، ص ۴۴۶ و بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۳۹) آن حضرت(ع) در جایی دیگر می‌فرماید که انسان نمی‌تواند از برخی افراد به سبب مومنین و مناسبت‌ها یا خلق و خوی بدی که بدان تربیت شده، انتظار آن بهد خیری داشته باشد. آن خوش خلقی را می‌فرماید: لبخل راخـه و لا لحدود لـهـه و لا لملوک و فـاهـ و لا لکدوب مروه، بخیل را آسایشی نیست، و حسود را خوشی و لذتی نیست، و پادشاهان را وفاپی نیست، و دروغگو را مروت و مردانگی نیست. (تحف العقول، ص ۲۵۰) پس از این دسته افراد نمی‌توان انتظار خیری و خوبی داشت و بدان‌ها امیدوار بود. این مسئله گاه به سبب همان موقعیت شغلی چون پادشاهی ایجاد می‌شود؛ زیرا ملوک نمی‌توانند به وعده‌ای که می‌دهند وفادار باشند و در نهایت پیمان شکنی می‌کنند و برخلف وعده می‌کنند و وفاپی از ایشان انتظار نمی‌رود و گاه دیگر به سبب همان علت به خلق زشت است که چنان که از دروغگو نمی‌توان انتظار مروت و مردانگی داشت، زیرا هر گز قول و فعلش هماهنگ نیست و بر صدق و صداقتی را نمی‌توان از او انتظار داشت.

۳- **رفتار مناسب:** امام رضا(ع) با توجه به موقعیت افراد و اشخاص و نیز جایگاه هر یک، سخنان و رفتار مناسب را ایست. بنابراین، نباید در رفتارهای خودمان همیشه یک گونه عمل کنیم. در آموزه‌های قرآنی آمده است که نسبت به مومنان نرم و دشمنان سخت باشیم. (فتح، آیه ۲۹) بنابراین، براساس مناسبت حکم و موضوع باید عمل کرد و رفتار مناسبی را بنابرین، داشته‌اید و براساس آن رفتار مناسبی را در پیش گیرد. از همین نمونه تواضع در برابر متکبر موجب می‌شود تا او گستاخ شود، بلکه باید با او و همانندش عمل کرد تا از تکبر دست بردارد. پس شناخت موقعیتها و درک آن برای اتخاذ مواضع مناسب و رفتار مفید و سازنده بسیار اساسی است. اصولا حکیم و خردمند کسی است که موقعیت زمانی و مکانی را بشناسد و براساس آن رفتار مناسبی را در پیش گیرد. از همین روست که گفته‌اند: هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد. امام رضا(ع) می‌فرماید: اصحاب السلطان بالحدو و الصدیق بالتواضع و العدو بالتلحز و العاهه بالشر، با سلطان و زمامدار با احتیاط همراهی کن، و با دوست با تواضع و فروتنی، و با دشمن در پناه حزم، و با مردم با روی خوش رفتار کن. (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۵۶)

۴- **آمد و شد عامل محبت:** انسان موجودی اجتماعی است. این گرایش به اجتماع چه به قصد تسخیر باشد یا هر عامل دیگری، امری ذاتی انسان است. انسان بدون جفت و زوج نمی‌تواند زندگی کند و نهایت تلاشش تا اتمام مکارم خواهد رفت، زیرا این جفت است که انسان را به تمامیت می‌رساند و از نقص می‌راند. انسان‌ها از نظر روحی و روانی و نیزجنبه‌های دیگر مادی و جسمی نیازمند ارتباط با دیگری هستند، پس نمی‌تواند بدون اجتماع زندگی کند و به آسایش و آرامش و خوشبختی نرسد یابد. دلیل خلق انسان نیک آن است که این ارتباط را در محدوده انسانی در چارچوب قوانین الهی و عقلانی سامان دهد و با دیگران اظهار دوستی نماید و محبت ایشان را گدایی کند؛ زیرا گدایی محبت برخلاف هر گدایی دیگر پسندیده است و انسان را به سوی کمال می‌برد. البته چنان که گفته شد ارتباط و آمد و شده‌ای می‌بایست در چارچوب عقل و شرع باشد تا از مشکلات غیراخلاقی جلوگیری کند. امام رضا(ع) آدایی را برای ارتباط بیان می‌کند که برخی از آن‌ها در این سخن ایشان تجلی

یافته است. ایشان می‌فرماید: تراوراو تحابوا و تصافحوا و لاتحاشموا؛ به دیدن یکدیگر روید تا یکدیگر را دوست داشته باشید و دست یکدیگر را بفشارید و به هم خشم نگیرید. (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۴۷) از نظر امام رضا(ع) یکی از نشانه‌های خوشی در زندگی دنیایی این است که انسان دارای دوستان و محبان بسیاری باشد و این جز با رفت‌وآمد خوب و مناسب شدنی نیست: سئل الامام الرضا علیه السلام عن عیش الدنیا؟ فقال: یسعالمنزل و کنهرالمحبین؛ درباره خوشی در دنیا سؤال شد، فرمود: وسعت منزل و زیادی دوستان (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۵۲) البته دید و بازدید از بستگان و خویشان در اولویت است؛ زیرا آنان بیش‌تر از دیگران نیاز و انتظار دارند که به دیدار آنان بروید. امام(ع) در این‌باره می‌فرماید: صل رحمک و لو بشریه من ماء و افضل مسا توصل به‌الرحم کف الادی عنها؛ پیوند خویشاوندی را برقرار کنید گرچه با جرحه آبی باشد؛ و بهترین صل رحمت را با بشریه من ماء و افضل مسا توصل به‌الرحم کف الادی پیوند خویشاوندی، خودداری از آزار خویشاوندان است. (تحفالعقول، ص ۲۴۴) آن حضرت(ع) در جایی دیگر بدترین مردم را کسی می‌داند که از ارتباط با مردم خودداری می‌کند و حتی با دیگران غذا نمی‌خورد و به تنها خوری عادت دارد و اجازه نمی‌دهد تا خیری به دیگران برسد.

مکتب اخلاقی امام رضا(ع)

■ حامد سرمدی



چنین افرادی در حقیقت به سبب عدم ارتباطات اجتماعی از اخلاقی به دور هستند؛ زیرا خلق و خوی انسان بر اجتماع و ارتباطات بلکه کمک به دیگران در جهت رفاه و خشنودی بر مبنای الهی است. آن حضرت(ع) می‌فرماید: این شرالناس من منع رفته و اکل وحده و جلد عبده؛ به راستی که بدترین مردم کسی است که یاری‌اش را (از مردم) باز دارد و تنها بخورد و افراد تحت امرش را بزند. (تحفالعقول، ص ۲۴۸)

۵.ادخال سرور: مؤمن باید اهل سرور و شادی عطنی باشد و هرگز تبسم و لبخند از لبش محو نشود. این یک شخص عیوس باشد و با گشاده‌رویی با مردم برخورد نکند، از رذایل اخلاقی است. مسلمان نه تنها باید شاد باشد بلکه این شادی و سرور خود را به دیگران نیز منتقل کند و به طوری که هر کسی با او دیدار می‌کند از دیدارش سرور و شادان شود و غم و اندوه از دلش برود. البته نباید در ایجاد سرور راه‌های باطلی رفت و نیازی هم نیست که با ابزارهای باطل بخواهیم کاری مفید انجام دهیم؛ زیرا وقتی ابزار آلوده باشد، سرور نیز دروغین و واهی خواهد بود. از همین‌روست که پس از سرورهایی که از ابزارهای باطل پدید می‌آید، غمی سنگین بر جان مستولی می‌شود و شخص را به افسردگی وون چندان می‌کشاند. باید از ابزارهای سرور مباح و جایز بهره برد و زمینه و سستر زیارت را به شادی مباح رنگین کرد. این‌گونه اعمال پس از عبادت محض چون نماز و روزه از مهم‌ترین اعمال عبادی بشر است. از این‌روست که امام رضا(ع) در تشویق مردم به این عمل می‌فرماید: لبس شیء من‌الاعمال عندالله عزوجل بعدالفرش افضل من ادخال السرور علی المومن؛ پس از انجام واداشت، کاری بهتر از ایجادخوشحالی برای مومن، نزد خداوند بزرگ نیست. (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۴۷) چرا که با ایجاد سرور در محیط ارتباطی، خوش خویی خود را دو چندان به نمایش گذاشته است و افزون بر این که زیارت‌کنندگان از ایشان بهره‌مندی و مادی می‌برند از نظر روحی و روانی نیز تقویت می‌شوند و آثار آن در ارتباطات دیگر ایشان نیز نمایان می‌شود.

۶. **رفع مشکلات مردم:** انسان می‌تواند می‌بایست در کمک به خلق خدا بکوشد. کمک به انسان‌ها به طور اولویت باید در دستور قرار گیرد و اگر کسی این گونه عمل نکند باید او را دایره انسانیت به دور دانسته، چه رسد که او را انسانی اخلاقی دانست. خلق الهی انسان اقتضای می‌کند که در مقام خلافت الهی در رفع مشکلات دیگران بکوشد. اگر انسان بتواند در حد مقدورش از دیگران مشکلی را حل کند به همان میزان ارزش و اعتبار خواهد داشت. افزوده است، البته آثار این گونه اعمال تنها محصور به دنیا نیست بلکه همان گونه که در دنیا موجب رضایت خاطر خود را فراهم می‌آورد و انسانیت خود را بروز می‌دهد، زمینه‌اندوه‌رایی اخروی خود را نیز فراهم می‌آورد؛ یعنی زمانی که همه در قیامت از هول و هراس این که گروهی باشند که خداوند گشایشی در گزیده‌های قیامت او می‌خواهد و دلش را شاد می‌گرداند. امام رضا(ع) می‌فرماید: من عرف عن مومن فرج‌الله عن قومه لیهللقصیه؛ هر کس اندوه و مشکلی را از مومنی برطرف نماید خداوند در روز قیامت اندوه را از قلیش برطرف سازد. (اصول کافی، ج ۳، ص ۲۴۸)

۷. **مدارا با مردم:** مودت با مومنان و مدرا با مردم از خصلت‌های نیک اسلامی انسانی است. انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون شاید رفتارهای نادرستی داشته باشند و اشتباهاتی بکنند. از این رو می‌بایست با مردم کنار آمد و سخت‌گیری نکرد. این که بخواهیم نسبت به مردم سخت‌گیری کنیم ومت روی خشخشان بگذاریم و گیر بدهیم کاری ضداخلاقی انجام داده‌ایم. سده و سیره عملی پیامبر(ص) این گونه بود که حتی نسبت به منافقان و دشمنان و مخالفان خود کوتاه می‌آمد و با آنان مدارا می‌کرد که گویی چیزی از آن نمی‌داند و حرف‌های نادرست ایشان را گوش می‌داد و گاه با آن که می‌دانست دروغ می‌گویند ولی به همان ظاهر نگاه ایشان بسنده می‌کرد. به طوری که ایشان را هر تحقیر و استهزاء و تمسخر «ذن» می‌گفتند. (توبه، آیه ۶) این مومن باید این خصلت و سیره نبوی را اتخاذ کند و با مردم مدارا کند و سختی را نیز در مدارا با مردم مدرا با مومنان و مدرا با مردم از خصلت‌های نیک است. انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون شاید رفتارهای نادرستی داشته باشند و اشتباهاتی بکنند. از این رو می‌بایست با مردم کنار آمد و سخت‌گیری نکرد. این که بخواهیم نسبت به مردم سخت‌گیری کنیم ومت روی خشخشان بگذاریم و گیر بدهیم کاری ضداخلاقی انجام داده‌ایم. سده و سیره عملی پیامبر(ص) این گونه بود که حتی نسبت به منافقان و دشمنان و مخالفان خود کوتاه می‌آمد و با آنان مدارا می‌کرد که گویی چیزی از آن نمی‌داند و حرف‌های نادرست ایشان را گوش می‌داد و گاه با آن که می‌دانست دروغ می‌گویند ولی به همان ظاهر نگاه ایشان بسنده می‌کرد. به طوری که ایشان را هر تحقیر و استهزاء و تمسخر «ذن» می‌گفتند. (توبه، آیه ۶) این مومن باید این خصلت و سیره نبوی را اتخاذ کند و با مردم مدارا کند و سختی را نیز در مدارا با مردم مدرا با مومنان و مدرا با مردم از خصلت‌های نیک است. انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون شاید رفتارهای نادرستی داشته باشند و اشتباهاتی بکنند. از این رو می‌بایست با مردم کنار آمد و سخت‌گیری نکرد. این که بخواهیم نسبت به مردم سخت‌گیری کنیم ومت روی خشخشان بگذاریم و گیر بدهیم کاری ضداخلاقی انجام داده‌ایم. سده و سیره عملی پیامبر(ص) این گونه بود که حتی نسبت به منافقان و دشمنان و مخالفان خود کوتاه می‌آمد و با آنان مدارا می‌کرد که گویی چیزی از آن نمی‌داند و حرف‌های نادرست ایشان را گوش می‌داد و گاه با آن که می‌دانست دروغ می‌گویند ولی به همان ظاهر نگاه ایشان بسنده می‌کرد. به طوری که ایشان را هر تحقیر و استهزاء و تمسخر «ذن» می‌گفتند. (توبه، آیه ۶) این مومن باید این خصلت و سیره نبوی را اتخاذ کند و با مردم مدارا کند و سختی را نیز در مدارا با مردم مدرا با مومنان و مدرا با مردم از خصلت‌های نیک است. انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون شاید رفتارهای نادرستی داشته باشند و اشتباهاتی بکنند. از این رو می‌بایست با مردم کنار آمد و سخت‌گیری نکرد. این که بخواهیم نسبت به مردم سخت‌گیری کنیم ومت روی خشخشان بگذاریم و گیر بدهیم کاری ضداخلاقی انجام داده‌ایم. سده و سیره عملی پیامبر(ص) این گونه بود که حتی نسبت به منافقان و دشمنان و مخالفان خود کوتاه می‌آمد و با آنان مدارا می‌کرد که گویی چیزی از آن نمی‌داند و حرف‌های نادرست ایشان را گوش می‌داد و گاه با آن که می‌دانست دروغ می‌گویند ولی به همان ظاهر نگاه ایشان بسنده می‌کرد. به طوری که ایشان را هر تحقیر و استهزاء و تمسخر «ذن» می‌گفتند. (توبه، آیه ۶) این مومن باید این خصلت و سیره نبوی را اتخاذ کند و با مردم مدارا کند و سختی را نیز در مدارا با مردم مدرا با مومنان و مدرا با مردم از خصلت‌های نیک است. انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون شاید رفتارهای نادرستی داشته باشند و اشتباهاتی بکنند. از این رو می‌بایست با مردم کنار آمد و سخت‌گیری نکرد. این که بخواهیم نسبت به مردم سخت‌گیری کنیم ومت روی خشخشان بگذاریم و گیر بدهیم کاری ضداخلاقی انجام داده‌ایم. سده و سیره عملی پیامبر(ص) این گونه بود که حتی نسبت به منافقان و دشمنان و مخالفان خود کوتاه می‌آمد و با آنان مدارا می‌کرد که گویی چیزی از آن نمی‌داند و حرف‌های نادرست ایشان را گوش می‌داد و گاه با آن که می‌دانست دروغ می‌گویند ولی به همان ظاهر نگاه ایشان بسنده می‌کرد. به طوری که ایشان را هر تحقیر و استهزاء و تمسخر «ذن» می‌گفتند. (توبه، آیه ۶) این مومن باید این خصلت و سیره نبوی را اتخاذ کند و با مردم مدارا کند و سختی را نیز در مدارا با مردم مدرا با مومنان و مدرا با مردم از خصلت‌های نیک است. انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون شاید رفتارهای نادرستی داشته باشند و اشتباهاتی بکنند. از این رو می‌بایست با مردم کنار آمد و سخت‌گیری نکرد. این که بخواهیم نسبت به مردم سخت‌گیری کنیم ومت روی خشخشان بگذاریم و گیر بدهیم کاری ضداخلاقی انجام داده‌ایم. سده و سیره عملی پیامبر(ص) این گونه بود که حتی نسبت به منافقان و دشمنان و مخالفان خود کوتاه می‌آمد و با آنان مدارا می‌کرد که گویی چیزی از آن نمی‌داند و حرف‌های نادرست ایشان را گوش می‌داد و گاه با آن که می‌دانست دروغ می‌گویند ولی به همان ظاهر نگاه ایشان بسنده می‌کرد. به طوری که ایشان را هر تحقیر و استهزاء و تمسخر «ذن» می‌گفتند. (توبه، آیه ۶) این مومن باید این خصلت و سیره نبوی را اتخاذ کند و با مردم مدارا کند و سختی را نیز در مدارا با مردم مدرا با مومنان و مدرا با مردم از خصلت‌های نیک است. انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون شاید رفتارهای نادرستی داشته باشند و اشتباهاتی بکنند. از این رو می‌بایست با مردم کنار آمد و سخت‌گیری نکرد. این که بخواهیم نسبت به مردم سخت‌گیری کنیم ومت روی خشخشان بگذاریم و گیر بدهیم کاری ضداخلاقی انجام داده‌ایم. سده و سیره عملی پیامبر(ص) این گونه بود که حتی نسبت به منافقان و دشمنان و مخالفان خود کوتاه می‌آمد و با آنان مدارا می‌کرد که گویی چیزی از آن نمی‌داند و حرف‌های نادرست ایشان را گوش می‌داد و گاه با آن که می‌دانست دروغ می‌گویند ولی به همان ظاهر نگاه ایشان بسنده می‌کرد. به طوری که ایشان را هر تحقیر و استهزاء و تمسخر «ذن» می‌گفتند. (توبه، آیه ۶) این مومن باید این خصلت و سیره نبوی را اتخاذ کند و با مردم مدارا کند و سختی را نیز در مدارا با مردم مدرا با مومنان و مدرا با مردم از خصلت‌های نیک است. انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون شاید رفتارهای نادرستی داشته باشند و اشتباهاتی بکنند. از این رو می‌بایست با مردم کنار آمد و سخت‌گیری نکرد. این که بخواهیم نسبت به مردم سخت‌گیری کنیم ومت روی خشخشان بگذاریم و گیر بدهیم کاری ضداخلاقی انجام داده‌ایم. سده و سیره عملی پیامبر(ص) این گونه بود که حتی نسبت به منافقان و دشمنان و مخالفان خود کوتاه می‌آمد و با آنان مدارا می‌کرد که گویی چیزی از آن نمی‌داند و حرف‌های نادرست ایشان را گوش می‌داد و گاه با آن که می‌دانست دروغ می‌گویند ولی به همان ظاهر نگاه ایشان بسنده می‌کرد. به طوری که ایشان را هر تحقیر و استهزاء و تمسخر «ذن» می‌گفتند. (توبه، آیه ۶) این مومن باید این خصلت و سیره نبوی را اتخاذ کند و با مردم مدارا کند و سختی را نیز در مدارا با مردم مدرا با مومنان و مدرا با مردم از خصلت‌های نیک است. انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون شاید رفتارهای نادرستی داشته باشند و اشتباهاتی بکنند. از این رو می‌بایست با مردم کنار آمد و سخت‌گیری نکرد. این که بخواهیم نسبت به مردم سخت‌گیری کنیم ومت روی خشخشان بگذاریم و گیر بدهیم کاری ضداخلاقی انجام داده‌ایم. سده و سیره عملی پیامبر(ص) این گونه بود که حتی نسبت به منافقان و دشمنان و مخالفان خود کوتاه می‌آمد و با آنان مدارا می‌کرد که گویی چیزی از آن نمی‌داند و حرف‌های نادرست ایشان را گوش می‌داد و گاه با آن که می‌دانست دروغ می‌گویند ولی به همان ظاهر نگاه ایشان بسنده می‌کرد. به طوری که ایشان را هر تحقیر و استهزاء و تمسخر «ذن» می‌گفتند. (توبه، آیه ۶) این مومن باید این خصلت و سیره نبوی را اتخاذ کند و با مردم مدارا کند و سختی را نیز در مدارا با مردم مدرا با مومنان و مدرا با مردم از خصلت‌های نیک است. انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون شاید رفتارهای نادرستی داشته باشند و اشتباهاتی بکنند. از این رو می‌بایست با مردم کنار آمد و سخت‌گیری نکرد. این که بخواهیم نسبت به مردم سخت‌گیری کنیم ومت روی خشخشان بگذاریم و گیر بدهیم کاری ضداخلاقی انجام داده‌ایم. سده و سیره عملی پیامبر(ص) این گونه بود که حتی نسبت به منافقان و دشمنان و مخالفان خود کوتاه می‌آمد و با آنان مدارا می‌کرد که گویی چیزی از آن نمی‌داند و حرف‌های نادرست ایشان را گوش می‌داد و گاه با آن که می‌دانست دروغ می‌گویند ولی به همان ظاهر نگاه ایشان بسنده می‌کرد. به طوری که ایشان را هر تحقیر و استهزاء و تمسخر «ذن» می‌گفتند. (توبه، آیه ۶) این مومن باید این خصلت و سیره نبوی را اتخاذ کند و با مردم مدارا کند و سختی را نیز در مدارا با مردم مدرا با مومنان و مدرا با مردم از خصلت‌های نیک است. انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون شاید رفتارهای نادرستی داشته باشند و اشتباهاتی بکنند. از این رو می‌بایست با مردم کنار آمد و سخت‌گیری نکرد. این که بخواهیم نسبت به مردم سخت‌گیری کنیم ومت روی خشخشان بگذاریم و گیر بدهیم کاری ضداخلاقی انجام داده‌ایم. سده و سیره عملی پیامبر(ص) این گونه بود که حتی نسبت به منافقان و دشمنان و مخالفان خود کوتاه می‌آمد و با آنان مدارا می‌کرد که گویی چیزی از آن نمی‌داند و حرف‌های نادرست ایشان را گوش می‌داد و گاه با آن که می‌دانست دروغ می‌گویند ولی به همان ظاهر نگاه ایشان بسنده می‌کرد. به طوری که ایشان را هر تحقیر و استهزاء و تمسخر «ذن» می‌گفتند. (توبه، آیه ۶) این مومن باید این خصلت و سیره نبوی را اتخاذ کند و با مردم مدارا کند و سختی را نیز در مدارا با مردم مدرا با مومنان و مدرا با مردم از خصلت‌های نیک است. انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون شاید رفتارهای نادرستی داشته باشند و اشتباهاتی بکنند. از این رو می‌بایست با مردم کنار آمد و سخت‌گیری نکرد. این که بخواهیم نسبت به مردم سخت‌گیری کنیم ومت روی خشخشان بگذاریم و گیر بدهیم کاری ضداخلاقی انجام داده‌ایم. سده و سیره عملی پیامبر(ص) این گونه بود که حتی نسبت به منافقان و دشمنان و مخالفان خود کوتاه می‌آمد و با آنان مدارا می‌کرد که گویی چیزی از آن نمی‌داند و حرف‌های نادرست ایشان را گوش می‌داد و گاه با آن که می‌دانست دروغ می‌گویند ولی به همان ظاهر نگاه ایشان بسنده می‌کرد. به طوری که ایشان را هر تحقیر و استهزاء و تمسخر «ذن» می‌گفتند. (توبه، آیه ۶) این مومن باید این خصلت و سیره نبوی را اتخاذ کند و با مردم مدارا کند و سختی را نیز در مدارا با مردم مدرا با مومنان و مدرا با مردم از خصلت‌های نیک است. انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون شاید رفتارهای نادرستی داشته باشند و اشتباهاتی بکنند. از این رو می‌بایست با مردم کنار آمد و سخت‌گیری نکرد. این که بخواهیم نسبت به مردم سخت‌گیری کنیم ومت روی خشخشان بگذاریم و گیر بدهیم کاری ضداخلاقی انجام داده‌ایم. سده و سیره عملی پیامبر(ص) این گونه بود که حتی نسبت به منافقان و دشمنان و مخالفان خود کوتاه می‌آمد و با آنان مدارا می‌کرد که گویی چیزی از آن نمی‌داند و حرف‌های نادرست ایشان را گوش می‌داد و گاه با آن که می‌دانست دروغ می‌گویند ولی به همان ظاهر نگاه ایشان بسنده می‌کرد. به طوری که ایشان را هر تحقیر و استهزاء و تمسخر «ذن» می‌گفتند. (توبه، آیه ۶) این مومن باید این خصلت و سیره نبوی را اتخاذ کند و با مردم مدارا کند و سختی را نیز در مدارا با مردم مدرا با مومنان و مدرا با مردم از خصلت‌های نیک است. انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون شاید رفتارهای نادرستی داشته باشند و اشتباهاتی بکنند. از این رو می‌بایست با مردم کنار آمد و سخت‌گیری نکرد. این که بخواهیم نسبت به مردم سخت‌گیری کنیم ومت روی خشخشان بگذاریم و گیر بدهیم کاری ضداخلاقی انجام داده‌ایم. سده و سیره عملی پیامبر(ص) این گونه بود که حتی نسبت به منافقان و دشمنان و مخالفان خود کوتاه می‌آمد و با آنان مدارا می‌کرد که گویی چیزی از آن نمی‌داند و حرف‌های نادرست ایشان را گوش می‌داد و گاه با آن که می‌دانست دروغ می‌گویند ولی به همان ظاهر نگاه ایشان بسنده می‌کرد. به طوری که ایشان را هر تحقیر و استهزاء و تمسخر «ذن» می‌گفتند. (توبه، آیه ۶) این مومن باید این خصلت و سیره نبوی را اتخاذ کند و با مردم مدارا کند و سختی را نیز در مدارا با مردم مدرا با مومنان و مدرا با مردم از خصلت‌های نیک است. انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون شاید رفتارهای نادرستی داشته باشند و اشتباهاتی بکنند. از این رو می‌بایست با مردم کنار آمد و سخت‌گیری نکرد. این که بخواهیم نسبت به مردم سخت‌گیری کنیم ومت روی خشخشان بگذاریم و گیر بدهیم کاری ضداخلاقی انجام داده‌ایم. سده و سیره عملی پیامبر(ص) این گونه بود که حتی نسبت به منافقان و دشمنان و مخالفان خود کوتاه می‌آمد و با آنان مدارا می‌کرد که گویی چیزی از آن نمی‌داند و حرف‌های نادرست ایشان را گوش می‌داد و گاه با آن که می‌دانست دروغ می‌گویند ولی به همان ظاهر نگاه ایشان بسنده می‌کرد. به طوری که ایشان را هر تحقیر و استهزاء و تمسخر «ذن» می‌گفتند. (توبه، آیه ۶) این مومن باید این خصلت و سیره نبوی را اتخاذ کند و با مردم مدارا کند و سختی را نیز در مدارا با مردم مدرا با مومنان و مدرا با مردم از خصلت‌های نیک است. انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون شاید رفتارهای نادرستی داشته باشند و اشتباهاتی بکنند. از این رو می‌بایست با مردم کنار آمد و سخت‌گیری نکرد. این که بخواهیم نسبت به مردم سخت‌گیری کنیم ومت روی خشخشان بگذاریم و گیر بدهیم کاری ضداخلاقی انجام داده‌ایم. سده و سیره عملی پیامبر(ص) این گونه بود که حتی نسبت به منافقان و دشمنان و مخالفان خود کوتاه می‌آمد و با آنان مدارا می‌کرد که گویی چیزی از آن نمی‌داند و حرف‌های نادرست ایشان را گوش می‌داد و گاه با آن که می‌دانست دروغ می‌گویند ولی به همان ظاهر نگاه ایشان بسنده می‌کرد. به طوری که ایشان را هر تحقیر و استهزاء و تمسخر «ذن» می‌گفتند. (توبه، آیه ۶) این مومن باید این خصلت و سیره نبوی را اتخاذ کند و با مردم مدارا کند و سختی را نیز در مدارا با مردم مدرا با مومنان و مدرا با مردم از خصلت‌های نیک است. انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون شاید رفتارهای نادرستی داشته باشند و اشتباهاتی بکنند. از این رو می‌بایست با مردم کنار آمد و سخت‌گیری نکرد. این که بخواهیم نسبت به مردم سخت‌گیری کنیم ومت روی خشخشان بگذاریم و گیر بدهیم کاری ضداخلاقی انجام داده‌ایم. سده و سیره عملی پیامبر(ص) این گونه بود که حتی نسبت به منافقان و دشمنان و مخالفان خود کوتاه می‌آمد و با آنان مدارا می‌کرد که گویی چیزی از آن نمی‌داند و حرف‌های نادرست ایشان را گوش می‌داد و گاه با آن که می‌دانست دروغ می‌گویند ولی به همان ظاهر نگاه ایشان بسنده می‌کرد. به طوری که ایشان را هر تحقیر و استهزاء و تمسخر «ذن» می‌گفتند. (توبه، آیه ۶) این مومن باید این خصلت و سیره نبوی را اتخاذ کند و با مردم مدارا کند و سختی را نیز در مدارا با مردم مدرا با مومنان و مدرا با مردم از خصلت‌های نیک است. انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون شاید رفتارهای نادرستی داشته باشند و اشتباهاتی بکنند. از این رو می‌بایست با مردم کنار آمد و سخت‌گیری نکرد. این که بخواهیم نسبت به مردم سخت‌گیری کنیم ومت روی خشخشان بگذاریم و گیر بدهیم کاری ضداخلاقی انجام داده‌ایم. سده و سیره عملی پیامبر(ص) این گونه بود که حتی نسبت به منافقان و دشمنان و مخالفان خود کوتاه می‌آمد و با آنان مدارا می‌کرد که گویی چیزی از آن نمی‌داند و حرف‌های نادرست ایشان را گوش می‌داد و گاه با آن که می‌دانست دروغ می‌گویند ولی به همان ظاهر نگاه ایشان بسنده می‌کرد. به طوری که ایشان را هر تحقیر و استهزاء و تمسخر «ذن» می‌گفتند. (توبه، آیه ۶) این مومن باید این خصلت و سیره نبوی را اتخاذ کند و با مردم مدارا کند و سختی را نیز در مدارا با مردم مدرا با مومنان و مدرا با مردم از خصلت‌های نیک است. انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون شاید رفتارهای نادرستی داشته باشند و اشتباهاتی بکنند. از این رو می‌بایست با مردم کنار آمد و سخت‌گیری نکرد. این که بخواهیم نسبت به مردم سخت‌گیری کنیم ومت روی خشخشان بگذاریم و گیر بدهیم کاری ضداخلاقی انجام داده‌ایم. سده و سیره عملی پیامبر(ص) این گونه بود که حتی نسبت به منافقان و دشمنان و مخالفان خود کوتاه می‌آمد و با آنان مدارا می‌کرد که گویی چیزی از آن نمی‌داند و حرف‌های نادرست ایشان را گوش می‌داد و گاه با آن که می‌دانست دروغ می‌گویند ولی به همان ظاهر نگاه ایشان بسنده می‌کرد. به طوری که ایشان را هر تحقیر و استهزاء و تمسخر «ذن» می‌گفتند. (توبه، آیه ۶) این مومن باید این خصلت و سیره نبوی را اتخاذ کند و با مردم مدارا کند و سختی را نیز در مدارا با مردم مدرا با مومنان و مدرا با مردم از خصلت‌های نیک است. انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون شاید رفتارهای نادرستی داشته باشند و اشتباهاتی بکنند. از این رو می‌بایست با مردم کنار آمد و سخت‌گیری نکرد. این که بخواهیم نسبت به مردم سخت‌گیری کنیم ومت روی خشخشان بگذاریم و گیر بدهیم کاری ضداخلاقی انجام داده‌ایم. سده و سیره عملی پیامبر(ص) این گونه بود که حتی نسبت به منافقان و دشمنان و مخالفان خود کوتاه می‌آمد و با آنان مدارا می‌کرد که گویی چیزی از آن نمی‌داند و حرف‌های نادرست ایشان را گوش می‌داد و گاه با آن که می‌دانست دروغ می‌گویند ولی به همان ظاهر نگاه ایشان بسنده می‌کرد. به طوری که ایشان را هر تحقیر و استهزاء و تمسخر «ذن» می‌گفتند. (توبه، آیه ۶) این مومن باید این خصلت و سیره نبوی را اتخاذ کند و با مردم مدارا کند و سختی را نیز در مدارا با مردم مدرا با مومنان و مدرا با مردم از خصلت‌های نیک است. انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون شاید رفتارهای نادرستی داشته باشند و اشتباهاتی بکنند. از این رو می‌بایست با مردم کنار آمد و سخت‌گیری نکرد. این که بخواهیم نسبت به مردم سخت‌گیری کنیم ومت روی خشخشان بگذاریم و گیر بدهیم کاری ضداخلاقی انجام داده‌ایم. سده و سیره عملی پیامبر(ص) این گونه بود که حتی نسبت به منافقان و دشمنان و مخالفان خود کوتاه می‌آمد و با آنان مدارا می‌کرد که گویی چیزی از آن نمی‌داند و حرف‌های نادرست ایشان را گوش می‌داد و گاه با آن که می‌دانست دروغ می‌گویند ولی به همان ظاهر نگاه ایشان بسنده می‌کرد. به طوری که ایشان را هر تحقیر و استهزاء و تمسخر «ذن» می‌گفتند. (توبه، آیه ۶) این مومن باید این خصلت و سیره نبوی را اتخاذ کند و با مردم مدارا کند و سختی را نیز در مدارا با مردم مدرا با مومنان و مدرا با مردم از خصلت‌های نیک است. انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون شاید رفتارهای نادرستی داشته باشند و اشتباهاتی بکنند. از این رو می‌بایست با مردم کنار آمد و سخت‌گیری نکرد. این که بخواهیم نسبت به مردم سخت‌گیری کنیم ومت روی خشخشان بگذاریم و گیر بدهیم کاری ضداخلاقی انجام داده‌ایم. سده و سیره عملی پیامبر(ص) این گونه بود که حتی نسبت به منافقان و دشمنان و مخالفان خود کوتاه می‌آمد و با آنان مدارا می‌کرد که گویی چیزی از آن نمی‌داند و حرف‌های نادرست ایشان را گوش می‌داد و گاه با آن که می‌دانست دروغ می‌گویند ولی به همان ظاهر نگاه ایشان بسنده می‌کرد. به طوری